

این روزها هر کس کار خودش را می کند ؛ یکی ستاد زده ؛ آن دیگری ساک به دست شهر به شهر می چرخد ، آن یکی اتاق فکر تشکیل داده است.

با فشار طیف راست سنتی و بیش از همه موفله؛



*محسن پورحسین

تمام شد ؛ خیلی زودتر از آنچه تصور می شد ؛ ساده تر از آنکه خیلی ها تحلیل می کردند. آنچه رخ داده، این است ؛ «تلاش چند ماهه اصولگرایان برای وحدت به بن بست رسید ؛ آنها شکست خوردند».

حالا این روزها هر کس کار خودش را می کند ؛ یکی ستاد زده ؛ آن دیگری ساک به دست شهر به شهر می چرخد ، آن یکی اتاق فکر تشکیل داده و ... بدون آنکه کسی توجهی به آن مرکز فرماندهی داشته باشد که قرار بوده نامزد نهایی را از میان مصادیق برگزیند ، فعلا وضعیت اینگونه است .

روایت ماجرا را از روزهای آغازین همین هفته شروع کنیم . اخبار تازه دست یافته می تواند زوایای تازه ای از اوضاع درون راستگرایان را معلوم کند. بر اساس شنیده ها بنا بر این بود که نام 10 نامزدی که در جلسه مجمع عمومی جمنا بر اساس رای گیری از حاضرین انتخاب شده بودند اعلام شود . خاصه آنکه پیش از این حتی مرضیه وحید دستجردی از آغاز مذاکرات با این ده نفر هم خبر داده بود . او گفته بود ؛ «پیش نیاز برگزاری مجمع دوم جبهه مردمی این است که باید با ۱۰ کاندیدایی که بیشترین آراء را در مجمع عمومی اول کسب کرده اند، گفت و گو و مذاکره کنیم. هیات رئیسه شورای مرکزی در حال رایزنی و گفت و گو با این نامزدها است. این کار آغاز شده و تا حصول به نتیجه، همچنان ادامه خواهد داشت.» در حالی که همه در انتظار اطلاعی شورای مرکزی جمنا برای معرفی این ده نفر بودند ناگهان یک خبر با چند نکته قابل توجه البته بدون حتی کوچکترین تفاوت روی خروجی رسانه های اصولگرا قرار گرفت .

در این خبر که عنوان معرفی نامزدهای برگزیده جمنا را روی خود داشت چند مساله خود نمایی می کرد . اول اینکه به جای ده نفر نام 14 چهره اصولگرا قرار داشت . یعنی 4 نفر اضافه تر از آنچه وعده داده شده بود. این اولین نشانه ای بوده که از اختلافات گسترده حکایت داشته است . به بیان دیگر سوال در این مورد این است که اگر بنا را بر درستی سخنان سخنگوی جمنا قرار دهیم آیا آن 4 نفر اضافی از چه تاریخی و اساسا چرا به این جمع منتخب اضافه شده اند ؟ در نگاه نخست اینگونه به نظر می آید که حتی علت تنظیم این لیست بر اساس حروف الفبا و بدون توجه به میزان آرا کسب شده هم این بوده است که نام آن 4 نفر اضافه معلوم نباشد . اما گویا پشت پرده این ماجرا اتفاقات دیگری نهفته است .

گفته می شود یکی از دلایل این رخداد قابل توجه و تامل، فشار طیف راست سنتی و بیش از همه موفله بوده است . شنیده شده پس از پیگیری های مستمر موفله ای ها، نهایتا یکی از شخصیت های با نفوذ جریان اصولگرا، موافقت سران جمنا را برای اضافه کردن اسامی جدید از جمله مصطفی میرسلیم جلب می کند . نکته قابل توجه این است که حتی بعد از اضافه شدن این اسامی همچنان موفله بر سر مواضع انتقادی خود نسبت به جمنا باقی مانده است. ماجرا اما به اینجا ختم نمی شود. موفله ای ها حتی برای جلب حمایت به دفتر آیت الله مصباح یزدی هم رفته اند . دیداری که سخنانی تلخ را در آن شنیده اند ؛ «همان گونه که بنده گفته ام، شما (برخی از اعضای موفله) از قدیمی ترین دوستان بنده هستید و دوستانی بهتر از شما در زمینه سیاست و اجتماع نمی شناسم؛ این سخن جای خود را دارد؛ اما بدین معنا نیست که هر چه شما گفتید من قبول می کنم و یا انتظار داشته باشم هر چه من گفتم شما قبول کنید! اولاً اگر ما کاملا افکارمان واحد بود که یک حزب می شدیم، ثانياً اگر توقع این بود

که همه یک جور فکر کنند، پس تعدد احزاب چه معنا می‌دهد؟ بنده به دنبال شناخت وظیفه ای هستم که بتوانم در مقابل خدا جوابگو باشم؛ هر گاه تشخیص دهم کسی اصلح است، از او حمایت می‌کنم، و اگر کار به جایی رسید که قرار است کسی رأی بیاورد که ضررش بیشتر است و رأی به رقیب او سبب دفع ضرر بیشتر می‌شود، دفع افسد به فاسد می‌کنم؛ اما قرار نیست از اول فاسد را ترویج کنم. در صورتی می‌توانم به کسی رأی دهم که بینی و بین [] تشخیص دهم از میان افراد موجود، او اصلح است؛ اما قول دیگران برای من حجت نیست؛ البته رفت و آمد، و بحث و گفتگو با دوستان گرامی را با کمال میل انجام می‌دهم، اما نمی‌توانم به کسی قولی دهم که از فلانی حمایت می‌کنم، چون حجتی پیش خدا ندارم؛ اما با تمام وجود سعی می‌کنیم اگر کسی را معرفی کردید که در شاخص‌های گفته شده، برتر و اصلح باشد و برای ما هم ثابت شد، از وی حمایت کنیم؛ البته منتی بر شما نداریم، بلکه وظیفه ای است که در مقابل خدا باید انجام دهیم.»

از متلفه که بگذریم برخی از نامزدهای دیگر اصولگرا هم عملکردی جالب دارند. در مورد نیکزاد شنیده شده که او از جمله افرادی بوده که نامش در میان ده نفر اول انتخاب شده نبوده است. برخی خبرها حاکی از آن است که بعد از برگزاری نشست جمنا اعتراضش را به این تشکل مطرح کرده و حتی عنوان کرده که برای حضور در انتخابات آماده است. خبرهای دیگری که از وضعیت نامزدهای اصولگرا شنیده می‌شود حاکی از آن است که رستم قاسمی برای حضور در انتخابات بسیار جدی است. او گویا گفته عزمی راسخ برای حضور در رقابت اردیبهشت ماه دارد.

محسن رضایی هم اعلام کرده بنای نامزدی در انتخابات را ندارد اما برخی شنیده ها حکایت از این دارد که احتمالا او از حاضرین انتخابات 96 خواهد بود. همچنین به نظر می‌رسد که باید در انتظار اعلام نامزدی الیاس نادران هم باشیم. این را البته میتوان از اظهار نظرها و تحرکات اخیر او هم حدس زد. زریبافان هم البته در این بین حکایت جالبی دارد. او نیز در زمره کسانی قرار دارد که برای کاندیداتوری جدی شده است. همه این افراد که به آن‌ها اشاره کردیم، غیر از چند نامزد اصلی است که اتفاقا نبردی نامحسوس و حتی گاهی محسوس هم در آن سطح شکل گرفته است. سعید جلیلی در آستانه انتخابات به فکر قشر مستضعف افتاده و روستاگردی هایش را البته همراه با نهضت انداختن عکس و سلفی ادامه می‌دهد. محمد باقر قالیباف هم با رسانه خودش مصاحبه کرده و وعده سه برابر کردن یارانه را داده است. این وسط سید ابراهیم ریسی هم در حال تست فضا برای انجام بزرگترین ریسک زندگی سیاسی خود است.

این نکته نیز البته قابل توجه است که جبهه پایداری که از همان ابتدا ساز جدایی کوک کرده حالا دیگر با سخنان مرتضی آقا تهرانی جای هیچ شک و شبهه ای باقی نگذاشته که این تشکل سیاسی راهی جدا از جمنا را می‌رود و البته نامزد اختصاصی خود را هم خواهد داشت.

جمنا شکست خورده است؛ خیلی زوتر از آنچه تصور می‌شد. همه نامزدها عزم پاستور کرده اند. به نظر می‌رسد اصولگرایان زمان و شرایط دوران را برای رسیدن به اتاق کار رییس جمهوری ایران بار دیگر از دست داده اند.

منبع/ انتخاب

برجسب ها: [انتخابات](#) [1]

[اصولگرایان](#) [2]